

قیام پیرشی

دخالت‌های ناروای ارتش در سیاست، به تقاضای مصدق به داشتن پُست وزارت جنگ انجامید. در پی مخالفت شاه با این تقاضا، مصدق در ۲۵ تیر ۱۳۳۱ با شاه دیدار کرد. هنگامی که ملاقات سه ساعت و نیمه‌ی آن روز عقیم ماند، دکتر مصدق کتباً از نخست‌وزیری استعفا کرد. تا این جای قضیه، روشن است، اما وقایع مربوط به چه‌گونگی و چرایی استعفای مصدق و انتصاب قوام، هنوز از پرونده‌های سر بسته‌ی تاریخ معاصر ایران است.

مجله‌ی **سپید و سیاه** (به‌دبیری دکتر علی بهزادی) در ۱۹ مرداد ۱۳۵۸ شماره‌ی فوق‌العاده‌ی منتشر کرد که عنوان یکی از مقالات آن درباره‌ی قیام ۳۰ تیر از قول «یک رجل سالخورده» چنین بود: «امام جمعه‌ی تهران و دکتر هومن، شاه را فریب دادند.» یعنی محمدرضا شاه خودش پس از استعفای مصدق در ۲۵ تیر ۱۳۳۱، علاقه و تمایلی به انتصاب قوام‌السلطنه به نخست‌وزیری نداشت، اما دکتر سیدحسین امامی امام‌جمعه‌ی تهران (ریاست وقت مجلس شورای ملی) و دکتر احمد هومن (معاون وقت وزارت دربار) به مخالفان دکتر مصدق و مخصوصاً به نمایندگان مجلس و فعالان سیاسی وانمود می‌کردند که شاه می‌خواهد به قوام رای تمایل داده شود.

در ۲۶ تیر ۱۳۳۱ (فردای شب استعفای رسمی مصدق از نخست‌وزیری)، حسین علاء (وزیر دربار) به مجلس آمد و نامه‌ای که به‌خط خوش روی کاغذ مارک‌دار دربار نوشته شده بود، به دکتر امامی (رییس مجلس) داد. در این نامه آن‌چه روز گذشته اتفاق افتاده بود، به صراحت ذکر شده بود، یعنی قریب به این مضمون:

«چون دکتر مصدق خواسته بود که خودش عهده‌دار وزارت جنگ شود و اعلیحضرت در مقام فرمانده کل قوا با این تقاضا مخالفت کرده‌اند، دکتر مصدق استعفا داده و لذا شاه از مجلس می‌خواهد که مجلس نسبت به نخست‌وزیر آینده رأی تمایل بدهد.»

دکتر سیدحسین امامی پس از خواندن آن نامه، چون مخالفت شاه را با دادن پست وزارت جنگ به کسی که نخست‌وزیر وقت (دکتر مصدق) تعیین می‌کند، مخالف قانون اساسی تشخیص داد، نامه‌ی دربار را به نمایندگان مجلس نشان نداد و گفت که وزیر دربار از شاه، پیام شفاهی آورده است و چون پیام شفاهی کافی نیست، خواهش کرده‌ام که پیام شاه را مکتوب کنند. آنگاه حسین علاء در مجلس نامه‌ای دیگر نوشت که دلیل استعفای دکتر مصدق در آن تصریح نشده بود.

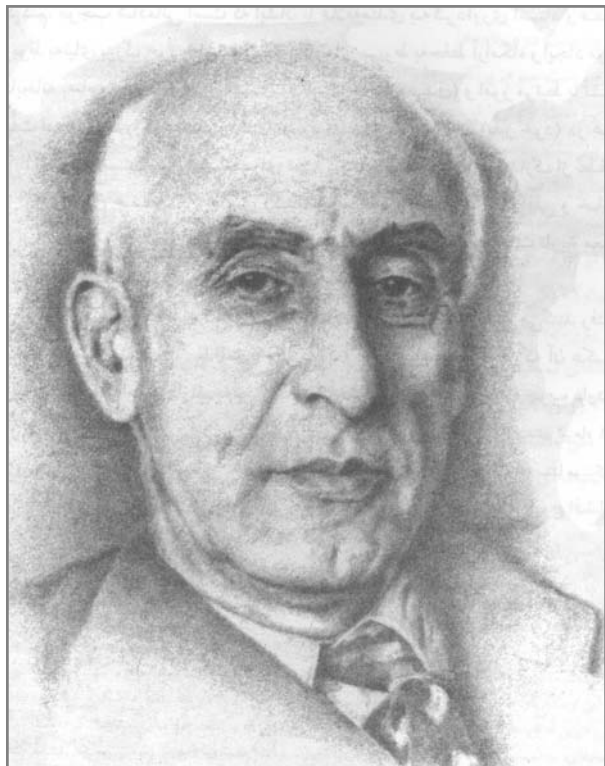
دکتر سیدعلی شایگان در فراکسیون وطن (فراکسیون نهضت ملی)، موضع شاه را ناقض اصول ۳۹، ۴۴، ۴۵، ۵۷، ۶۰، ۶۱، ۶۴ و ۶۷ متمم قانون اساسی خواند و گفت: «شاه دموکرات‌منش» که در مجلس به حفظ قانون اساسی سوگند یاد کرده است، ممکن نیست در امر حکومت، شخصاً قبول مسؤلیت کند و بگوید وزارت جنگ را خود تحت نظر می‌گیرد. مخالفان دکتر مصدق در مجلس دو حيله انگیختند، یکی آن‌که به بعضی اعضای فراکسیون نهضت ملی پیشنهاد می‌کردند که خود نخست‌وزیر شوند و دیگر این‌که به دیگر نمایندگان مجلس می‌گفتند که دکتر مصدق دیگر تن به نخست‌وزیری نمی‌دهد و موضوع وزارت جنگ را برای رهایی از این

□ قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ یکی از روزهای به‌یادماندنی و افتخارآفرین تاریخ سیاسی ایران است: روزی که خرد جمعی و اراده‌ی ملی بر استبداد و خودرأیی پیروز شد و مشارکت خودجوش و خودانگیخته‌ی مردم در سرنوشت خود، توطئه‌های داخلی و خارجی بر ضد منافع ملی را خنثی کرد.

توطئه‌ی دربار و انگلیس و شبکه‌ی پیچ‌درپیچ آن بر ضد دکتر مصدق، به تشکیل مجلس هفدهم و موضع‌گیری نمایندگان آن در برابر مصدق منجر شد. از شگفتی‌های انتخابات دوره‌ی هفدهم، انتخاب دکتر سیدحسین امامی (امام‌جمعه‌ی تهران و استاد دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران) از مهاباد سنی‌نشین و انتخاب عبدالرحمن فرامرزی سنی‌مذهب از ورامین شیعه‌نشین بود. این انتخابات غریب حاصل دخالت ارتش در حوزه‌های انتخابی بود. برای مثال، انتخاب عبدالرحمان فرامرزی از حوزه‌ی ورامین محصول دخالت سرلشگر عباس گرز (رییس وقت ستاد ارتش) بود و خود فرامرزی هرگز در ورامین سکونت یا سابقه‌ای نداشت. هم‌چنین بود انتخاب مهدی میراشرفی از مشکین‌شهر، فضل‌علی هدی از اردبیل، احمد بهادری از تبریز و بسیاری دیگر که انتخاب ایشان به اشاره‌ی دربار و دخالت ارتش سامان یافته بود.

مسئولیت بهانه کرده است. با این تمهیدات، در نتیجه اقدامات دکتر امامی در مجلس و دکتر هومن در دربار، ۴۲ نفر نماینده در جلسه‌ی سری به قوام رأی تمایل دادند، در حالی که در آن جلسه حتی یک نفر هم به دکتر مصدق رأی نداد! آن وقت شاه در ۲۷ تیر حکم نخست‌وزیری قوام را - بی آن که منتظر تأیید آن رأی تمایل در مجلس سنا بماند - صادر کرد.

به باور من، فراماسونری به دست دکتر هومن و دکتر امامی در قبول استعفای دکتر مصدق از سوی محمدرضاشاه و سپس گرفتن رأی تمایل برای قوام به خلاف میل شاه دخیل بود. شاهد و مؤید نظر من این است که حسین مکی می‌نویسد که محمدرضا شاه از روی کار آمدن قوام بیش از مصدق می‌ترسید، اما پس از دریافت نامه‌ی استعفای مصدق، چون منصورالملک پیشنهاد شاه را برای



نخست‌وزیری نپذیرفت، به قول حسین مکی «دکتر هومن، رئیس با تدبیر دربار، اول وقت در مرکز ستادش حضور یافته، مجلس و منازل و کلا و رجال و روزنامه‌نگاران و افسران را تلفن بیچ کرده بود. فرامین «والاحضرت اشرفی» یکی پس از دیگری به افتخار رجال قوم شرف صدور می‌یافت و به هر کس با هر طبقه‌ای ابلاغ می‌شد. کارگردانان مجلس و متخصصین زد و بند... همه به سراغ جناب اشرف رفته... در مجلس شورای ملی، از صبح زود فعالیتی غیرعادی مشاهده می‌شد... مقارن ساعت ۹ صبح، اتومبیل وزارت دربار جلو سردر مجلس توقف کرد و آقای علاء... یک راست به اتاق امام جمعه (رئیس مجلس) رفت... این نامه‌ی مرموز که در موقع خود، جار و جنجال غریبی برپا کرد و سرانجام معلوم نشد چه بر سرش آمد، کاغذی بود بسیار

خوش‌خط با مارک وزارت دربار، ولی بدون امضا که در همان نظر اول مورد تردید و اعتراض مهندس رضوی (نایب رئیس مجلس) قرار گرفت... جمعی مضمون آن را برخلاف قانون اساسی و غیروارد و اشتباه محض دانستند و بالاخره آقای دکتر فقیهی شیرازی نامه را می‌گیرد و از آن پس مفقود می‌شود... قرار می‌شود که موضوع نامه به کلی منتفی و مسکوت بماند و همین طور هم شد... نمایندگان طرفدار مصدق... تقاضایی به امضاء ۱۵ نفر، برای تشکیل جلسه‌ی خصوصی تهیه کرده، برای رئیس مجلس می‌فرستند. ولی امام جمعه که درسش را روان بود، دستور داد زنگ جلسه را زند، ولی نه به منظور تشکیل جلسه‌ی خصوصی، بلکه برای تشکیل جلسه‌ی سری... نمایندگان [طرفدار مصدق]... فریادشان بلند شد. می‌گفتند: این چه طرز اداره‌ی مجلس است...؟ چه طور می‌خواهید دولت بیاورید و ما را خبر نکنید؟ چون به اعتراض‌شان توجهی نمی‌شود، آن‌ها هم - که تعدادشان به ۲۸ نفر می‌رسید - در جلسه، شرکت نمی‌کنند. بالاخره امام جمعه (رئیس مجلس) برخلاف اصول و سنن پارلمانی - با حضور فقط ۴۲ نفر - اعلام رأی می‌کند. در نتیجه با ۴۰ رأی به قوام اظهار تمایل می‌شود.»

«نمایندگان طرفدار مصدق... برای جلوگیری از صدور فرمان... از شخص شاه تقاضای ملاقات می‌کنند که قانونی نبودن رأی تمایل را به عرض برسانند. ولی دربار که در آن موقع اختیارش از دست شاه هم خارج بود، وقت شرفیابی را برای دو روز بعد که کار از کار می‌گذشت، تعیین می‌کند...» خلاصه به تصریح حسین مکی: «شاه... شخصاً تمایل و نظری به قوام نداشت. امام جمعه و دکتر هومن او را هم اغفال کرده بودند» (کتاب سیاه، ج ۵، ص ۲۲۵)

... جمعه ۲۷ تیر - یعنی فردای روزی که «مجلس امام جمعه» به قوام رأی تمایل داد، کاخ شهری جناب اشرف تماشایی بود... تنها کسی که آن روزها به آنجا نرفت، پیشوا بود و پتویش... در این موقع رئیس ستاد و رئیس شهربانی و رئیس ژاندارمری که به وسیله‌ی دکتر هومن تلفنی احضار شده بودند، در کاخ شهری قوام، انتظار او را داشتند... اعلامیه‌ی فوق‌العاده تند قوام را مورخ الدوله سپهر - با سوء نیت - انشاء کرد... بامداد شنبه، ۲۸ تیر... نمایندگان طرفدار مصدق... به حضور شاه شرفیاب شدند... دکتر شایگان... از نامه‌ی مرموز دربار و رویه‌ی امام جمعه در اخذ رأی تمایل، شکایت... می‌کند. شاه... می‌گوید من به اتکای گزارش رئیس مجلس... فرمان صادر کرده‌ام... این ملاقات بدون اخذ نتیجه پایان یافت...»

قوام هم اختاربه‌ی عجیب و غریب معروف خود را که بخشی از آن در مقاله‌ی آقای مهندس محمدعلی مولوی در صفحات بعد آمده است، صادر کرد. دوست ما، آقای رضا سجادی، که به قول خودش، قوام او را «پسر آسید مصطفی» صدا می‌کرد، آن اعلامیه‌ی شدیدالحن را در رادیو با همان عبارت «کشتیبان را [و نه «گشتیبان»!] را [سیاستی دگر آمد» برخواند.

فراکسیون نهضت ملی... با صدور اعلامیه‌ای، روز ۳۰ تیر را تعطیل عمومی اعلام کردند... دولت سعی کرد آیت‌الله کاشانی را با خود همراه کند، «ولی این سید یک‌دنده و مبارز که در یک‌دندگی و مبارزه دست کمی از رفیق پتو به دوش خود نداشت، در تصمیم خود

همچنان استوار ماند و طی مصاحبه‌ای... از روی نوشته اعلامیه‌ی خود را که در آن از... قانونی نبودن حکومت قوام و سخافت عقل او بحث شده بود، خواند و آغاز مبارزه‌ی آشتی‌ناپذیر خود را با قوام تا برانداختن قطعی حکومت وی جداً بیان داشت...»

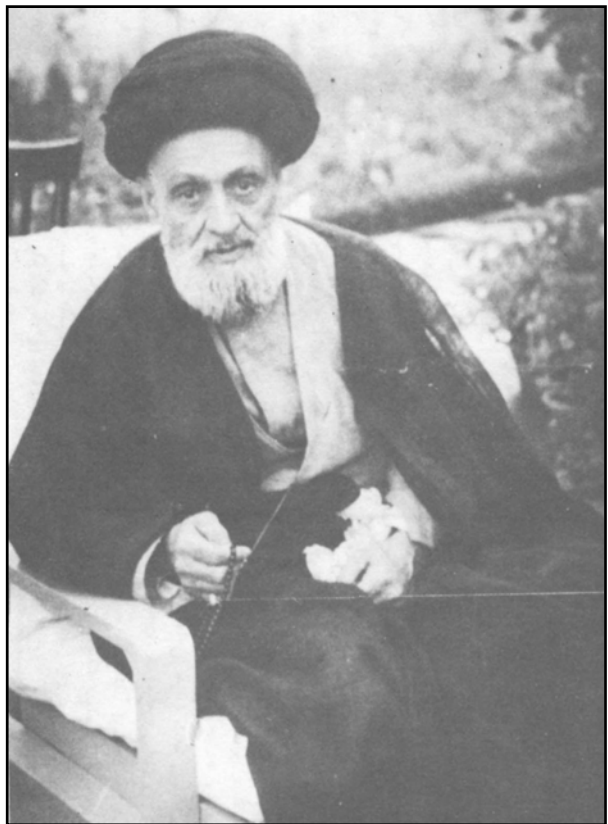
شب ۳۰ تیر... قوام از شاه تقاضای اختیارات کرد، تا مجلس را منحل کند. اما شاه قبول نکرد. بامداد ۳۰ تیر، تمام خیابان‌های مهم به وسیله‌ی سربازان و پاسبانان مسلح اشغال شده بود... مهندس حسینی - نماینده‌ی مجلس - به امام جمعه (رییس مجلس) شکایت برد. امام جمعه به دربار تلفن کرد که با شاه تماس بگیرد. ولی دکتر هومن پای تلفن بود و هرچه امام جمعه می‌گفت با شاه کار دارم، می‌خواهم با اعلی حضرت صحبت کنم، دکتر هومن می‌گفت: هرچه

شایگان «به دو نفر از درباریان... پرخاش کرده و مسؤولیت آن‌ها را در کتمان حقیقت از شاه مملکت گوشزد» کرد... علاء گوشه‌ای نشست و صحبتی نکرد...»

روز جمعه... معلوم شد قوام با امام جمعه، سردار فاخر، صفاری، نیکپور، اسدی و اسکندری جلسه داشته است (همان جا، ص ۲۵۷)... مردم فریاد می‌زدند: یا مرگ یا مصدق! جمعی سعی داشتند شاه را مرعوب کنند و می‌گفتند: جان اعلی حضرت و حتی خانواده سلطنتی و کاخ‌ها در معرض خطر است و به این بهانه‌ها می‌خواستند دستور تیراندازی بگیرند. اما ملت ایران، توطئه‌ی دربار و اولتیماتوم قوام را برنتابید و اراده‌ی خود را به کمک آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی به سامان رسانید، مردم ایران در قیام ۳۰ تیر با فداکاری، شهامت و صداقت، ثابت کردند که به‌حق شایسته‌ی دموکراسی و مردم‌سالاری‌اند، اما حمایت آیت‌الله کاشانی از دولت مصدق نیز بسیار تأثیرگذار بود. ح. ا. ■

منابع

کتاب سیاه: سال‌های نهضت ملی: از آذر ۱۳۳۰ تا شهریور ۱۳۳۱ تألیف حسین ملکی، جلد ۵ که بعدها با عنوان وقایع سی‌ام تیر (۱۳۳۱)، توسط انتشارات ایران به چاپ رسیده و همین مطالب در چاپ سوم آن مورخ ۱۳۶۶ عیناً تکرار شده است.
یادداشت‌های سیاسی در وقایع سی تیر، حسن ارسنجانی، انتشارات هیرمند، چاپ اول ۱۳۳۵، چاپ دوم ۱۳۶۶.



قصیده‌ی ۳۰ تیر

استاد دکتر مظاهر مصفا (مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران) قصیده‌ای به مناسبت قیام ۳۰ تیر سروده و قسمتی از آن را خود از حافظه برای ما نوشته‌اند، در این جا آن را با هم می‌خوانیم و در شماره‌ی آینده سرگذشت چاپ جدید روضه‌الصفی تصحیح ایشان را از سوی انتشارات امیرکبیر به اطلاع شما خواهیم رساند.

چهره‌ی کارگری می‌بینم

سینه‌ی رنجبری می‌بینم

پدري مویه‌گنان موی گنان

در عزای پسری می‌بینم

روی میدان بهارستان باز

لخت‌لخت جگری می‌بینم

پسری بر سر و بر روی زنان

داغ‌دار پدري می‌بینم

بر سر کشته‌ی افتاده‌ی شوی

همسر مویه‌گری می‌بینم...
□□□

سخت آغشته به خون سلطان

تخت و تاج و کمری می‌بینم

می‌خواهی به خودم بگو، من خودم با شاه صحبت می‌کنم. جار و جنجالی شد. بالاخره ناچار دکتر هومن راه داد و امام با شاه صحبت کرد، ولی چون تمجمج می‌کرد، یوسف مشار تلفن را از دست او گرفت و با تندی زیاد با شاه صحبت کرد. شاه گفت، مهندس رضوی [نایب رییس مجلس] صحبت کند. آن وقت مهندس رضوی... خیلی محکم و متین و در عین حال بسیار صریح گفت که اخذ رأی تمایل و انتصاب قوام، قانونی نیست. قرار شد مهندس رضوی به اتفاق امام بروند پیش شاه، اما بر اثر حمله‌ی مردم به «امام لندن» و شکستن شیشه‌ی ماشین او، امام جمعه فرار می‌کند و در عوض دکتر معظمی، یوسف مشار، دکتر شایگان و مهندس رضوی به دربار می‌روند و